Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.۱۲(۶); ۲۰۱۹, ۱۶۷-۲۰۳

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال ششم، شمارهٔ ۱۲، پاییز و زمستان۱۳۹۷، ۲۰۳-۱۶۷

مطالعه نگرش مدرسان زبان انگلیسی به انگیزش یادگیری دانشجویان در برنامهٔدرسی دانشگاهی[۱]

The Viewpoints of English Language Instructors toward the Student Learning Motivation in the Academic Curriculum

J.Salimi (Ph.D), M.Asadi

Abstract: One of the problems of students' transition from secondary education to higher education, is the weakness of English language skills along with the shortage of incentive to improve their learning. The purpose of this study was to re-explore the motivation to English learning in undergraduate students and the factors affecting it from the viewpoint of English language instructors in universities. This research was conducted using qualitative approach and Grounded Theory strategy. The population of study included all the English language instructors in the public universities of Sanandaj. And ١٤ individuals were selected purposefully using theoretical sampling, and theoretical saturation of data was the end of sampling basis. The instrument used was the semi-structured qualitative interview. The process of coding and modeling of qualitative data, has been done through qualitative data analysis software (MAXQDA ١١). Reflexivity strategy was used to determine the validity of the process of coding and interpreting qualitative data. According to the findings, pedagogical themes; structural themes and motivational themes are described by explaining "Motivation-based Education" model as a focal theme, along with the causal conditions (with concepts of active teaching methods, teaching-learning process, and Appropriateness of content), the interventionist conditions (with concepts of cultural features, and educational challenges) and the contextual conditions (with concepts of emotional attitudes, and perception components). The strategies include strengthening pedagogical themes and modifying structural themes, and the outcomes include improvement of the motivational themes in learning English language.

Keywords: higher education, English language teaching, motivation based instruction, undergraduate students, and instructors' viewpoints.

دکتر جمال سلیمی[۲]، محمد اسدی[۳]

چکیده: یکی از مسائل گذار دانشجویان از آموزش متوسطه به آموزش عالی، ضعف در مهارت‌های زبان انگلیسی همراه با کمبود انگیزه لازم برای بهبود یادگیری در آنان است. هدف پژوهش، واکاوی انگیزش یادگیری زبان انگلیسی در دانشجویان کارشناسی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی دانشگاه‌ها بود. رویکرد پژوهش کیفی و روش آن داده بنیاد است. جامعهٔ پژوهش شامل مدرسان زبان انگلیسی در دانشگاه‌های دولتی شهر سنندج بود که ۱۴ شرکت-کننده به‌صورت هدفمند، با استفاده از نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و مبنای خاتمه نمونه‌گیری، اشباع نظری داده‌ها بود. ابزار پژوهش مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته بود. فرایند کدگذاری و مدل‌سازی داده‌های کیفی با نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (مکس‌کیودی ای ۱۱) انجام‌شده است. برای تعیین اعتبار فرایند کدگذاری و تفسیر داده‌های کیفی از راهبرد بازاندیشی استفاده شد. بر اساس یافته‌ها، مقوله‌های پداگوژیک؛ مقوله‌های ساختاری و مقوله‌های انگیزشی در الگوی داده بنیاد با تبیین «آموزش مبتنی بر انگیزش» به‌عنوان مقولهٔ کانونی، در کنار شرایط علّی (با مفاهیم شیوه‌های فعال تدریس، فرایند تدریس ـ یادگیری و تناسب محتوایی)؛ شرایط مداخله‌گر (با مفاهیم نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی) و شرایط زمینه‌ای (با مفاهیم ویژگی‌های فرهنگی و چالش‌های آموزشی) تشریح شده‌اند. راهبردها، شامل تقویت مقوله‌های پداگوژیک و اصلاح مقوله‌های ساختاری و پیامدها شامل بهبود مقوله‌های انگیزشی در یادگیری زبان انگلیسی هستند.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، آموزش زبان انگلیسی، آموزش مبتنی بر انگیزش، دانشجویان کارشناسی، دیدگاه مدرسان.

---

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۱

۲.دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، رایانامه : j_salimi۲۰۰۳@yahoo.com

۳.دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، رایانامه : asadymohammad۲۶@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

در سال‌های اخیر به دنبال بین‌المللی شدن آموزش عالی، زبان واسط آموزش علم، به‌عنوان یکی از ابزارهای بین‌المللی شدن، از دغدغه‌های سیاست‌گذاری آموزش عالی جهان موردتوجه قرارگرفته است. رشد تقریبی ۱۰ برابری استفاده از زبان واسط انگلیسی در حدود یک دهه و نیز شتاب این رشد در سال‌های اخیر فرض اهمیت این ابزار در بین‌المللی شدن کشورهای پیشرو و تأثیر بسزای آن در موفقیت آموزش عالی اروپا را قوت بخشیده است (اصغرزاده و خراسانی، ۱۳۹۵). نقش زبان بین‌المللی برای تسهیل ارتباط در دنیای امروز، بر کسی پوشیده نیست. متأسفانه علی‌رغم سابقهٔ طولانی آموزش زبان خارجی در ایران، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش این مادهٔ درسی در مدارس کشور با نتایج مطلوب همراه نیست (صفرنواده و علی‌عسگری، ۱۳۸۸). همه‌ساله تعداد قابل‌توجهی از دانش‌آموختگان، متقاضی تحصیل در مقاطع بالاتر دانشگاهی می‌باشند. یکی از معیارهایی که دانشگاه‌های دنیا برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در نظر می‌گیرند، میزان تسلط بر مهارت‌های زبان انگلیسی متقاضیان است. ازاین‌رو، بررسی آزمون‌های زبان انگلیسی که بتواند شاخصی برای این معیار باشد نظر گروه‌های مختلفی را که به‌گونه‌ای با مسائل سنجش و آزمون‌سازی ارتباط دارند، به خود جلب کرده است (علوی، ۱۳۸۳). گذار از آموزش عمومی به آموزش عالی همراه با پایه‌های نسبتاً ضعیف زبان‌آموزان در نظام رسمی آموزش، همواره چالش‌هایی کاربردی را ایجاد کرده است.

آموزش زبان‌های خارجی موضوعی است که روزبه‌روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و در بسیاری از کشورها این موضوع بخش مهمی از امکانات آموزشی را به خود اختصاص داده است. در چند دههٔ اخیر، برنامه‌ریزان زبان‌های خارجی در جستجوی شیوه‌های علمی‌تری در زمینهٔ تدریس زبان‌های خارجی بوده‌اند. برای نیل به این مقصود آنان تلاش کرده‌اند تا از یافته‌های علوم مختلف و ازجمله روانشناسی و علوم تربیتی بهره گیرند. در کشور ما نیز مسئله آموزش زبان‌های خارجی از اهمیت چشمگیری برخوردار است. ما شاهد هستیم که امروزه هزاران دانشجو

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پس‌ازآنکه صدها ساعت را در زیـر سقف کلاس‌های زبان سپری کرده‌اند، بازهم در حوزه‌های مهارتی گوناگون زبانی (خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن) به سطح مطلوبی از توانایی دست نمی‌یابند (شیربگی و عزیزی، ۱۳۸۹). در مورد ارجحیت این مهارت‌ها دیدگاه‌های مختلفی از سوی مدرسان زبان انگلیسی مطرح شده است. رابیت[۱] (۲۰۱۵) معتقد است هرکدام از این چهار مهارت به‌صورت مساوی اهمیت دارند و توسعهٔ هرکدام موجب سرعت بخشیدن به دیگر مهارت‌ها می‌گردد. مثلاً شاگردی که در مهارت‌های مکالمه مسلط است، اغلب خواندن و نوشتن را به‌سرعت فرامی‌گیرد. همچنین، شاگردی که به خواندن اشتیاق دارد، مهارت‌های مکالمه را سریع یاد می‌گیرد. بنابراین، ازنظر ایشان، قرار گرفتن در معرض تمام حوزه‌های زبان انگلیسی اهمیت یکسان دارد.

مهارت خواندن زبان انگلیسی اهمیت فراوانی دارد و روزبه‌روز نیز با پیشرفت علوم و گسترش فن‌آوری بر اهمیت آن افزوده می‌شود. به دست آوردن این مهارت، مانند هر مهارت مهم دیگری، وقت‌گیر و زمان‌بر است (راقبیان، اخوان‌تفتی و حجازی، ۱۳۹۱). این مهارت یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های یادگیری است که از مدارس ابتدایی تا دانشگاه‌ها، هر بخش محتوایی بر توانایی فراگیران در خواندن و پردازش متن به‌عنوان ابزار اصلی برای انتقال اطلاعات، متکی است. نتایج پژوهشی آزمایشی با کاربرد اثربخش ابزارهای فناوری در انگیزش خواندن دانش‌آموزان دبیرستانی، نیز مؤید اهمیت این مسئله است (کواس، راسل و اروینگ[۲]، ۲۰۱۲). شاید دلیل توجه به مهارت اخیر به این جهت قابل توجیه باشد که معمولاً نظام آموزش رسمی بر کتاب‌ها و منابع نوشتاری تأکیددارند.

یادگیری لغات اغلب به‌صورت اتفاقی از طریق مهارت‌های شنیدن و خواندن ایجاد می‌شود. این نکته اهمیت تدوین برنامه‌ای جامع برای مطالعهٔ گسترده و قابل‌توجه در یادگیری زبان انگلیسی دوچندان می‌کند. خواندن گسترده این فرصت را به فراگیران

---

[۱] Rabbitt
[۲] Cuevas, Russell, & Irving,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

زبان می‌دهد تا به خواندن حجم زیادی از مطالب و موادی که در سطح دانش آن‌هاست بپردازند. یادگیری زبان از طریق شرایطی همچون تکرار، بازیابی، استفاده خلاقانه و توجه کامل به وجود می‌آید. فعالیت‌های رایانه‌ای هم می‌توانند با فراهم کردن فرصتی برای یادگیری عمدی مؤثر واقع شوند، اما باید در نظر داشت که یادگیری عمدی نباید جایگزین خواندن گسترده شود (نیشن[۱]، ۲۰۱۳). مشارکت فعال در یادگیری انگلیسی اهمیت دارد. شاگردان می‌توانند مهارت‌های گفتاری خود را از طریق مکالمه در راهرو، کلاس، مراسم، تیم‌ها و باشگاه‌ها کار کنند. مهارت‌های خواندن می‌تواند از طریق محتوای کلاسی یا در خانه از طریق منابع امانتی کتابخانه توسعه یابد. شاگردان می‌توانند از طریق تماشای اخبار، نمایش‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، صحبت کردن با دوستان یا گوش دادن به موسیقی بر روی مهارت‌های شنیداری کار کنند. مهارت‌های نوشتاری می‌تواند با تکمیل تکالیف برای انتقال دقیق ایده‌ها پرورش یابد و شاگردان باید در ارتباط با لغات، ساختار و گرامر، درخواست بازخورد کنند (رابیت، ۲۰۱۵).

برای فهم بهتر ریشه‌های ضعف در مهارت‌های زبان، توجه به شواهدی از وضعیت مهارت‌های زبانی در نظام آموزشی کشور خالی از لطف نیست. نتایج پژوهش مهدوی ظفرقندی و جهاندیده (۱۳۸۴) دربارهٔ سنجش مهارت دانشجویان پزشکی را در امر خواندن متون علمی مربوطه و ارزشیابی مهارت خواندن دانشجویان دندانپزشکی نشان می‌دهد که اکثریت دانشجویان دندان‌پزشکی توان لازم در فهم متون علمی رشتهٔ خود را ندارند. بر اساس نتایج پژوهش مصباح، فغانی، ادیب و سلامت (۱۳۹۳) با توجه به تأثیر مثبت آموزش تکلیف محور در مهارت خواندن و درک مطلب دانشجویان مامایی نسبت به روش سنتی در این مطالعه پیشنهاد شده که استادان در روش تدریس زبان انگلیسی بهره‌گیری از روش‌های تدریس فرایند محور نظیر روش تکلیف محور را موردتوجه قرار دهند. نتایج مطالعه مطلب‌زاده و منوچهری (۱۳۸۷) در بررسی رابطهٔ هوش چندگانه با مهارت خواندن و درک مطلب در داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون

[۱] Nation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بین‌المللی زبان انگلیسی آیلتس[1] در فراگیران ایرانی نشان می‌دهد که در زبان‌آموزان ایرانی از مجموع هوش‌های چندگانه، تنها هوش منطقی ریاضی با مهارت خواندن و درک مطلب آزمون آیلتس ارتباط معناداری دارد. علاوه بر این، بر اساس گزارش مرکز مطالعات بین‌المللی پرلز و تیمز، جایگاه ایران در مطالعهٔ بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن[2] (پرلز) در سال ۲۰۰۱ رتبه ۳۲ از ۳۵ و در سال ۲۰۰۶، رتبه ۴۰ از ۴۵ بوده است. یافته‌های آزمون بین‌المللی پرلز ۲۰۰۶ در مقایسه با پرلز ۲۰۰۱ هرچند نشان‌دهندهٔ پیشرفت‌های اندکی در درک خواندن دانش‌آموزان ایرانی بوده است، لیک این پیشرفت‌ها چندان قابل‌توجه نبودند (راقبیان و همکاران، ۱۳۹۱). گرچه بخشی از ناکامی‌ها در یادگیری زبان را می‌توان در اثربخشی شیوه‌های آموزشی زبان انگلیسی جستجو نمود، بخشی از آن نیز می‌تواند در عوامل انگیزش تحصیلی و انگیزش یادگیری زبان انگلیسی در زبان‌آموزان بررسی شود.

به دلیل تأثیر انگیزش تحصیلی بر موفقیت دانشجویان درگذشته و دهه‌های اخیر، روانشناسان درصدد بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در انگیزش تحصیلی بوده‌اند. حجم قابل‌توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه انگیزش یادگیرندگان، بیانگر علاقه‌مندی پایدار پژوهشگران به این زمینه است (برزگر بفرویی، برزگر برفویی و ملایی بهرامی، ۱۳۹۳). انگیزه موضوعی پیچیده و یکی از مؤثرترین عوامل در ایجاد و کسب موفقیت یادگیری زبان انگلیسی است. راهبردهای انگیزشی می‌تواند تأثیر مثبتی بر وضعیت انگیزه و خرده مقیاس‌های آن (افزایش اعتمادبه‌نفس، تغییر نگرش و کاهش اضطراب) در دانشجویان داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد مدرسان کلاس‌های زبان خارجی و برنامه‌ریزان درسی بتوانند با استفاده از راهبردهای انگیزشی در کلاس درس زبان انگلیسی در جهت افزایش انگیزهٔ دانشجویان اقدام نمایند. (ادیب سرشکی، کنعانی و حسین‌زاده، ۱۳۹۵). مطالعهٔ انگیزش و درک مطلب نیازمند ساختارهای انگیزشی متفاوتی است که بتوانند به لحاظ نظری بر تمایل دانشجو برای خواندن تأثیر بگذارند. در بخشی

[1] IELTS
[2] Progress in International Reading Literacy Study (PIRLS)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

از پژوهش‌های پیشین چندین جنبه از انگیزش شناسایی‌شده و در سایر پژوهش‌ها بر سه جنبهٔ انگیزش درونی، انگیزه بیرونی و خودکارآمدی تمرکز شده است که بر توانایی خواندن تأثیرگذارند و ممکن است در جمعیت‌های آسیب‌پذیر اهمیت یکسانی نداشته باشد (پراکتر، دیلی، لویک، لیدر و گاردنر[۱]، ۲۰۱۴).

بر اساس نتایج پژوهشی در آسیب‌شناسی برنامهٔ درسی زبان انگلیسی در دورهٔ متوسطه، عوامل آموزشی شامل استفاده از الگوها و روش‌های تدریس نامناسب، عدم وجود امکانات و تسهیلات لازم، رویکردهای ارزشیابی غیرمعقول در برنامهٔ آموزش زبان انگلیسی، فقدان نگاه کاربردی به یادگیری درس زبان انگلیسی، نبود برنامهٔ درسی مناسب، شامل نبودن پیش‌زمینهٔ فرهنگی، ناتوانی در استفاده از روش‌های جدید و مدرن آموزش زبان انگلیسی، استفاده از متون و محتوای نامأنوس و کم بودن تعداد ساعات آموزش زبان انگلیسی از مهم‌ترین آسیب‌های برنامه درسی موردمطالعه می‌باشند (بهروزی، آموزگار و علیپور، ۱۳۹۳). با توجه به شواهد موجود، مهارت زبان انگلیسی دانشجویان در دانشگاه‌های کشور همانند دانش‌آموزان در مقاطع پایین‌تر در وضعیت مطلوبی ندارد و از سوی دیگر انگیزش یادگیری زبان در این دانشجویان سطوح متفاوتی دارد و برای تقویت مهارت درک مطلب آنان به راهکارها و راهبردهایی مؤثر نیازمندیم. همچنین مدرسان زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور واجد تجارب دست‌اول و دانش عملی خاصی هستند که می‌تواند به روشن‌تر شدن جوانب مسئله کمک کند. درواقع، مسئلهٔ اصلی پژوهش ناظر بر ضعف مهارت‌های زبان انگلیسی خصوصاً در دانشجویان کارشناسی و کمبود انگیزش لازم برای بهبود مهارت-های مذکور است. اکنون باید پرسید مدرسان زبان انگلیسی چگونه می‌توانند پیوندی بین آموزش و انگیزش برای یادگیری اثربخش مهارت‌های اصلی زبان انگلیسی در دانشجویان برقرار سازند؟ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی انگیزش یادگیری زبان انگلیسی در دانشجویان کارشناسی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مدرسان

[۱] Proctor, Daley, Louick, Leider, & Gardner,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

زبان انگلیسی دانشگاه‌ها می‌باشد. در همین راستا، سؤالات اصلی به شرح زیر قابل‌طرح است:

۱) از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی فرایند «انگیزش برای یادگیری زبان انگلیسی» نشانگر کدام پدیدهٔ محوری برای بهبود یادگیری در دانشجویان کارشناسی و واجد چه ویژگی‌هایی است؟

۲) از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی عوامل شکل‌دهندهٔ پدیدهٔ محوری در خصوص فرایند «آموختن زبان انگلیسی» شامل چه شرایط، راهبردها و پیامدهایی است؟ (چه مسائلی در ارتقای آموزش و بهبود انگیزش یادگیری زبان انگلیسی در دانشجویان اهمیت دارد؟)

چارچوب نظری و پژوهشی

انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی[۱] یکی از مفاهیمی است که طبق آن، پیش‌فرض‌هایی که در مورد ارتباط یک زبان بین‌المللی و فرهنگ وجود دارند عبارت‌انـد از (۱) یادگیرندگان یک زبان بین‌المللی نیازی به جذب اصول فرهنگی بومیان آن زبان ندارند؛ (۲) زبان بین‌المللی متعلق به ملت خاصی نیست؛ (۳) هدف از یادگیری یک زبان بین-المللی تبادل افکار، ایده‌ها و فرهنگ‌های مختلف است (ناجی میدانی، پیش‌قدم و مظفری، ۱۳۹۳). این نظریه در حالی ارائه‌شده است که در عمل، یادگیرندگان زبان انگلیسی در دانشگاه نمی‌توانند بدون تأثیر از متغیرهای فرهنگی به یادگیری زبان بپردازند. از سوی دیگر، گاردنر (۱۹۷۹) و گاردنر و لامبرت[۲] (۱۹۷۲) نخستین بار مفهوم انگیزش یکپارچه و ابزاری[۳] را در ارتباط بـا یادگیری زبان غیر مادری ارائه کردند. گاردنر اظهار می‌دارد که مفهوم انگیزش در یادگیری زبان غیرمادری آمیزه‌ای از نگرش مثبت و اشتیاق به یادگیری آن زبان و کوششی است که در آن راستا انجام می گیرد. اگر منظور از یادگیری زبان، بیشتر جنبهٔ سودمندی آن باشد مانند پیشرفت شغلی،

[۱] English as an International Language (EIL)
[۲] Gardner & Lambert
[۳] Integrative & Instrumental Orientations

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در این صورت جهت‌گیری فرد جنبهٔ ابزاری دارد؛ در مقابل اگر زبان‌آموز با فکر بازتری به بیشتر دانستن درباره جامعه فرهنگی دیگر علاقه‌مند باشد، در این صورت جهت‌گیری وی انضمامی خواهد بود؛ بنابراین جهت‌گیری مذکور به‌زعم گاردنر و لامبرت پدیده‌ای اجتماعی ـ روانی است و به توسعهٔ مهارت‌های ارتباطی بین فرد و اعضای جامعهٔ فرهنگی دیگر بستگی دارد. همچنین کسب مهارت در زبان غیر مادری از طرز فکر خانواده نسبت به جامعه‌ای که زبان قومی دیگری دارد، متأثر است (به نقل از شیربگی و عزیزی، ۱۳۸۹). درنتیجه، از یکسو مفهوم سرمایهٔ فرهنگی باید به‌طور گسترده‌ای در برنامه‌های درسی آموزش زبان انگلیسی مورداستفاده قرار گیرد، از سوی دیگر، با در نظر داشتن فرهنگ در ابعاد مختلف طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی زبان، می‌توان به غنی‌سازی هر چه بیشتر فرهنگ نیز پرداخت. درواقع، تأثیر فرهنگ و عوامل وابسته به آن بر یادگیری زبان باید مورد واکاوی و تبیینِ هر چه بیشتر قرار گیرد تا تأثیر و تأثر فرهنگ و برنامه‌های درسی، بیشتر تصریح گردد (کرمی، سیلانه و پاک‌مهر، ۱۳۹۱).

ویژگی‌های زبان‌آموز را می‌توان در دو بخش تفکیک کرد: یک دسته عواملی که خارج از کنترل هستند، مانند سن و جنس و دستهٔ دوم عواملی که می‌توان بر روی آن‌ها کنترل داشت. ازجمله این عوامل می‌توان به انگیزش سبک‌های یادگیری و راهبردهای یادگیری اشاره کرد (رقیب‌دوست و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸). سرانجام، با توجه به اینکه در پژوهش‌های مبتنی بر راهبرد نظریهٔ داده بنیاد، پژوهشگران به دنبال تبیین نظریات پیشین نیستند. موارد اشاره‌شده صرفاً برای اطلاع مخاطبان آمده و در پژوهش اخیر بدون دخالت برداشت‌های قبلی، در جستجوی الگویی زمینه‌ای بودند تا بتواند به‌خوبی مسئلهٔ پژوهش را در شرایط زمانی و مکانی حاضر مورد کاوش قرار دهد. در ادامه پژوهش‌های مرتبط انجام‌گرفته اشاره خواهد شد:

نتایج پژوهش شیخ‌الاسلامی و خیّر (۱۳۸۵) با عنوان بررسی رابطهٔ باورهای انگیزشی (شامل جهت‌گیری، بی‌انگیزشی، جهت‌گیری انگیزش بیرونی و جهت‌گیری انگیزش درونی) و استفاده از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در بین دانشجویان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دانشگاه شیراز، نشان می‌دهد که جهت‌گیری انگیزشی دارای ارتباط منفی و معنادار با نمرات راهبردهای حافظه‌ای، شناختی و فراشناختی هستند. جهت‌گیری انگیزش بیرونی ارتباط معناداری با هیچ‌کدام از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی نشان نداده و در مقابل بین جهت‌گیری انگیزش درونی و نمرات انواع راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی، ارتباط مثبت و معنادار وجود داشته است.

نتایج پژوهش شیربگی و عزیزی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که بیشتر دانشجویان از انگیزش بالایی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی برخوردارند. در مورد میزان علاقه به یادگیری زبان انگلیسی نیـز وضع مشابهی بین دانشجویان وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تجارب یادگیری و آموزشی دانشجویان خارج از نظام رسمی آموزش‌وپرورش با میزان انگیزش و نگرش آنان رابطه مثبتی دارد. بین میزان علاقه و سواد انگلیسی والدین با میزان علاقه و معلومات انگلیسی فرزندان همبستگی مثبت وجود دارد. بیشتر دانشجویان تجارب یادگیری زبان خارجه را به‌غیراز مدرسه و دانشگاه ندارند و همهٔ تلاش‌های یادگیری آنان محدود به محیط رسمی آموزشی است.

برزگر بفرویی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی بر نقش جهت‌گیری هدف و راهبردهای فراشناختی خواندن در پیش‌بینی انگیزش تحصیلی دانشجویان، نتایج نشان می‌دهد که بین جهت‌گیری هدف عملکرد ـ گرایشی، تسلط ـ اجتنابی، راهبردهای فراشناختی خواندن و انگیزش درونی رابطهٔ معناداری وجود دارد. بین جهت‌گیری هدف عملکرد ـ گرایشی، تسلط اجتنابی، راهبردهای فراشناختی خواندن و انگیزش بیرونی و نیز بین جهت‌گیری هدف عملکرد ـ گرایشی، تسلط ـ گرایشی و بی‌انگیزگی نیز رابطهٔ معنی‌داری مشاهده می‌شود. همچنین، جهت‌گیری هدف عملکرد ـ گرایشی، تسلط ـ گرایشی و راهبردهای فراشناختی خواندن می‌توانند انگیزش درونی و هدف عملکرد ـ اجتنابی می‌توانند انگیزش بیرونی و بی‌انگیزگی را پیش‌بینی کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شیفیل و همکاران[۱] (۲۰۱۲) با استفاده از اصطلاحات موجود در پرسشنامه انگیزش برای خواندن، به این نتیجه رسیدند که جنبه‌های اصلی انگیزش خواندن در هفت طبقه، قابل‌شناسایی است که عبارت‌اند از کنجکاوی برای آشنایی بیشتر دربارهٔ موضوعات موردعلاقه؛ مشارکت برای غرق شدن در یک داستان یا تجربه کنش‌های تخیلی؛ رقابت برای رسیدن به سطوح بالاتری از پیشرفت تحصیلی، به‌ویژه در خواندن نسبت به سایر دانشجویان؛ شناسایی در تحسین‌شدن برای عملکرد خواندن خوب؛ نمرات برای بهبود نمرات یک فرد؛ اجابت(خواندن به دلیلی فشار خارجی و اجتناب کاری یا تلاش برای پرهیز از کار مرتبط با خواندن) (به نقل از شافنر، شیفیل و آلفردس[۲]، ۲۰۱۳).

باس و والتر[۳] (۲۰۱۳) در پژوهشی با محور انگیزش یادگیری زبان خارجی در آموزش عالی، داده‌ها نشان دادند که علی‌رغم افزایش تمایل دانشجویان به ماهرشدن به زبان آلمانی، تلاششان برای مشارکت در یادگیری زبان در طول دورهٔ یک‌ساله کاهش یافته است. این تغییر در رابطه با کاهش سطح انگیزش و خودکارآمدی باورهای درونی رخ‌داده است. روابط بین تغییرات انگیزشی و عوامل زمینه‌ای در آموزش عالی در برابر پس‌زمینهٔ تجربهٔ انتقال دانش‌آموزان از مدرسه به دانشگاه موردبحث است. یافته‌های وینینگز، دومیه و دبوت[۴] (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که چگونه انگیزش یادگیری زبان در طول زمان در سطح فردی تغییر می‌کند، درحالی‌که همچنان توسط فازهای باثبات و قابل پیش‌بینی توصیف‌شده است و اینکه چگونه آن جدا از زمینهٔ یادگیری فرد یادگیرنده است.

نتایج پژوهش علی و پتان[۵] (۲۰۱۷) دربارهٔ عوامل اکتشافی که باعث انگیزش و عدم انگیزش در یادگیری زبان انگلیسی میان دانشجویان دانشکدهٔ کویته پاکستان، نشان می‌دهد که محتوای درس و مواد آموزشی به‌عنوان برجسته‌ترین عامل انگیزشی و

---

[۱] Schiefele et al,
[۲] Schaffner, Schiefele, & Ulferts,
[۳] Busse, & Walter
[۴] Waninge, Dörnyei, & De Bot
[۵] Ali, & Pathan

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پرنفوذترین منبع انگیزه در بین دانشجویان،بوده است. نتایج پژوهش کیفی دگریمنشی ایزل و ایدین[۱] (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که مدرسان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، تصحیح خطا را برای بهبود دقت فراگیران در خلال دانش مکالمه، گرامر و لغت و مهارت‌های تلفظ به کار می‌برند. آنان معتقدند که تصحیح خطا موجب شکل‌گیری عادت به لحاظ خود تصحیحی در میان شاگردان و استفادهٔ مناسب از زبان هدف، تسلط و دقت فراگیران می‌گردد. نتایج پژوهش جو، هیور و آلهوی[۲] (۲۰۱۷) با مطالعهٔ محیط زبان دوم آموزش در جو اجتماعی کلاس، انگیزهٔ خود تعیین، تمایل به برقراری ارتباط و دستاوردها از این تصور پشتیبانی می‌کند که زمینه، یک قاب تجربی مربوط به منبع برای مطالعهٔ عوامل فردی است و تأثیر محیط کلاسی مبتنی بر اهمیت برونداد یادگیری زبان دوم را برجسته می‌سازد. وان‌منسل و دکانیک[۳] (۲۰۱۷) در پژوهشی با مصاحبه با والدین فراگیران زبان دربارهٔ انگیزش یادگیری زبان و خواسته برنامه‌ریزی‌شده، مفهوم هویت آموزش چندزبانه در مقایسه با پیشرفت‌های تک‌زبانه از آرزوها و انگیزه‌های والدین و فرزندانشان استنتاج کرده و نشان دادند که میل به زبان به ساختار هویت درونی تولیدشده محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به انگیزش بیرونی دیگران را بازنمایی کند.

پژوهشگران کوشیده‌اند چند نمونه از یافته‌های پژوهشی مرتبط را بر اساس منابع در دسترس گزارش نمایند. در این پژوهش‌ها، جهت‌گیری، میزان و عوامل انگیزش در یادگیری زبان (انگلیسی) تا حدودی موردتوجه قرارگرفته است درصورتی‌که بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته با رویکرد کمی و تبیینی موردمطالعه قرارگرفته‌اند و با توجه به اینکه پژوهش‌های کیفی و اکتشافی در این زمینه اندک هستند و برای پاسخگویی به مسئلهٔ موردمطالعه در پژوهش اخیر کافی نیستند، ضرورت انجام مطالعهٔ اخیر، قابل توجیه است. علاوه بر این، پژوهش حاضر می‌تواند سرآغازی باشد برای پژوهش‌های

[۱] Değirmenci Uysal, & Aydin,
[۲] Joe, Hiver, & Al-Hoorie,
[۳] Van Mensel, & Deconinck,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

آینده دربارهٔ مسائل انگیزشی یادگیری زبان در دانشگاه‌های کشور تا به‌طور همه‌جانبه و ژرف‌نگرانه به غنی‌سازی دانش زمینه‌ای پرداخته شود و از این رهگذر، تدابیر مناسبی از سوی برنامه‌ریزان درسی و آموزشی در دانشگاه‌ها اتخاذ شود و در سطوح دانشگاهی نیز هم مدرسان و هم دانشجویان نیز از مزایای آن بهره‌مند گردند.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش از نوع کیفی و راهبرد آن مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد[۱] است. طرح‌های نظریهٔ داده‌بنیاد شیوه‌هایی کیفی و نظام‌مند هستند که پژوهشگران برای تولید یک توضیح کلی (که ریشه در دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان دارد) استفاده می‌شود و فرایندها، کنش یا تعامل میان افراد را توضیح می‌دهد. شیوه‌های توسعهٔ این نظریه عمدتاً شامل جمع‌آوری اولیه داده‌های مصاحبه، طبقه‌بندی‌های یا تم‌های درحال‌توسعه و مرتبط از داده‌های مصاحبه و ایجاد شکل یا مدل‌های دیداری است که توضیحی کلی را به تصویر می‌کشد. در این روش، توضیح برخاسته از داده‌های مشارکت‌کنندگان است. برای این توضیح، می‌توان جملاتی پیش‌بینی‌کننده دربارهٔ تجارب این افراد ساخت (کرسول[۲]، ۲۰۱۲). نظریه‌های زمینه‌ای قبل از آغاز مطالعه تولید نمی‌شوند، اما به‌صورت استقرایی در خلال جمع‌آوری داده‌های در خودِ مطالعه شکل می‌گیرند؛ به‌عبارت‌دیگر، محققان با داده‌هایی که جمع‌آوری کرده‌اند شروع می‌کنند و سپس تعمیم‌ها را بعد از کاوش داده‌ها توسعه می‌دهند (فرانکل، والن و یان[۳]، ۲۰۱۳). دلیل استفاده از این روش کیفی با وجود مبانی نظری در زمینهٔ آموزش و انگیزش زبان انگلیسی، ارائهٔ یک الگوی زمینه‌ای داده‌بنیاد برای تبیین آموزش و نگرش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی کشور بر اساس دیدگاه‌های مبتنی بر شواهد عملی مدرسان زبان انگلیسی بود تا راهکارهای زمینه‌ای متناسب با جامعهٔ پژوهش استخراج گردد.

در این مطالعه، برای دستیابی به مبنایی برای تدوین نظریه، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. زیرا پژوهشگران در نظریه برخاسته از داده‌ها به‌طور نظری به نمونه‌گیری

---

[۱] Grounded Theory
[۲] Cresswell,
[۳] Fraenkel, Wallen, & Hyun,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

می‌پردازند و برای این عمل از شیوه‌ای استفاده می‌کنند که مستلزم هم‌زمانی و انتخاب متوالی داده‌ها و تحلیل آن‌هاست. منظور از نمونه‌گیری نظری در روش نظریهٔ برخاسته از داده‌ها آن است که پژوهشگر اشکالی از داده‌ها را برمی‌گزیند که متن و تصویرهای قابل‌استفاده را در تدوین نظریه فراهم آورند (بازرگان، ۱۳۸۹). با توجه به عدم قابلیت تعمیم‌یافته‌ها در رویکرد کیفی، از قاعدهٔ اشباع نظری[۱] برای خاتمه نمونه‌گیری استفاده شد. اشباع نظری به این نکته اشاره می‌کند که ملاک خاتمهٔ نمونه‌گیری، بر اساس تکرار کدهای مشابه در مصاحبه‌ها است. این قاعده «حالتی است که در آن پژوهشگر به‌صورت ذهنی تعیین می‌کند که داده‌های جدید، هیچ‌گونه اطلاعات یا بینشی برای طبقات در حال شکل‌گیری فراهم نمی‌کند» (کرسول، ۲۰۱۲). بنابراین، مشارکت‌کنندگانِ این پژوهشِ کیفی، شاملِ ۱۴ نفر از مدرسان زبانِ انگلیسی که تجربهٔ تدریس در دانشگاه‌های کردستان، علوم پزشکی کردستان و پیام نور سنندج داشته‌اند می‌باشد که بر اساس نمونه‌گیری نظری[۲] به‌صورت هدفمند انتخاب‌شده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان باهدف دستیابی به یک الگوی زمینه‌ای از مهارت‌ها و انگیزش زبان انگلیسی دانشجویان بر مبنای دیدگاه مدرسان و علت انتخاب دانشگاه‌های دولتی به جهت همگون بودن دانشجویان کارشناسی به لحاظ سن و موقعیت یادگیری نسبت به سایر دانشگاه‌ها بوده است.

برای اطمینان از روایی منشور مصاحبه با تعدادی از صاحب‌نظران پژوهش‌های کیفی مشورت شد. همچنین برای تأیید اعتبار فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌های مصاحبه از راهبرد بازاندیشی[۳] که متضمن خودآگاهی و تأمل خودانتقادی از سوی پژوهشگر در مورد سوگیری‌ها و تمایلات به نحوی است که بر فرایند و استنتاج‌های پژوهش تأثیر می‌گذارند. این روش یکی از راهبردهای مورداستفاده برای ارتقای اعتبار پژوهش کیفی است (محمدپور، ۱۳۸۹). در فرایند تحلیل داده‌ها به شیوهٔ تحلیل محتوای

---

[۱] Theoretical Saturation
[۲] Theoretical Sampling
[۳] reflexivity

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

استقرائی[۱] عمل شده است. مبنای اصلی پژوهشگر در تحلیل داده‌های هر مصاحبه با افراد مشارکت‌کننده در سه مرحلهٔ کدگذاریِ باز[۲]، کدگذاریِ محوری[۳] و کدگذاریِ انتخابی[۴] بوده است. «کدگذاریِ باز عبارت است از نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به کوچک‌ترین واحدهای معنادار از محتوای متنی هدف. کدگذاریِ محوری مرحله‌ای از تحلیل است که در آن مقولات و مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله کدگذاری باز را باهم مقایسه می‌کند، درهم‌آمیخته و با خلاقیت‌های فکری و انتزاعی که دارد، کل معانی به‌دست‌آمده از تحقیق را حسب ارتباطاتی که باهم دارند، در چند نقطه وصل یا در چند محورِ اصلی یا در چند ربطِ نظری مرتب‌سازی می‌کند. کدگذاری انتخابی یک مرحلهٔ مکانیکی جدا در پایان نیست، بلکه در طی کدگذاری باز و محوری بذرهای آن جوانه می‌زند» (فراستخواه، ۱۳۹۵).

فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها در این پژوهش عمدتاً به کمک نرم‌افزار تحلیل محتوای کیفی مکس‌کیودی ای[۵] انجام‌گرفته است. این نرم‌افزار کاربردی وسیع‌تر از تحلیل کیفی دارد و برای کدگذاری و مدیریت پیشرفته دادها به کار می‌رود (لوینز و سیلور[۶]، ۱۳۹۳). داده‌ها باید از طریق کدگذاری در سه سطحِ «باز»، «محوری» و «گزینشی»، به شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها یا مضامین منتهی شوند. در مرحلهٔ کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها بر اساس عبارت‌های کلیدی به‌عنوان واحد تحلیل، کدگذاری و در مرحلهٔ بعد همهٔ محورهای اصلی بر اساس محتوای کدهای باز دسته‌بندی شدند؛ سپس کدهای استخراجی برای شناسایی معانی مشترک مورد مقایسه قرار گرفت تا الگوهایی برای پیوند مضمون‌ها تعیین شود. مبنای قطعه‌بندی محتوا در تحلیل داده‌ها، هر معنا، محتوا و مضمونی بوده که هدف تحقیق را پوشش می‌دهد. کدهای طبیعی[۷] در مصاحبه-

---

۱ Deductive content analysis
۲ Open coding
۳ Axial coding
۴ Selective coding
۵ MAXQDA
۶ Levins & Silver,
۷ In Vivo codes

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ها و استناد به نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان از ویژگی‌های اصلی فرایند کدگذاری بود. برای کدگذاری، متن مصاحبه‌های انتخاب‌شده را در چند مرحله، قطعه‌بندی کرده و مجموعی از داده‌ها به‌عنوان یک مفهوم در نظر گرفته شد. درنهایت مقوله‌های اصلی، برآیندِ مفاهیم تشکیل‌دهنده آن بوده و بنابراین، فرایند کدگذاری بر اساس فرایند شکل ۱ زیر هدایت‌شده است.

شکل ۱: فرایند کدگذاری از تحلیل داده‌ها تا تدوین نظریه داده‌بنیاد

علاوه بر این پرسش‌های اساسی، پژوهشگر در طول مصاحبه‌ها از سؤالات کنکاشی[۱] برای درک عمیق‌تر از پدیده موردمطالعه استفاده کرده‌اند. تمام تلاش پژوهشگر بر آن بوده تا در زمان اجرا، مشارکت‌کننده در فرایند مصاحبه فعال باشد و به کمک یادداشت‌برداری و یادآوری نکته‌های اصلی به ترتیب مورد کاوش قرار گیرد تا در فرایند آوانویسی[۲] (برگرداندن صدا به نوشته) ابهامی باقی نماند. بعد از انجام مصاحبه، کلیه مصاحبه‌ها از روی دستگاه ضبط صدا پیاده گردید و برای تحلیل آماده شد. پیش از اجرای هر مصاحبه، مسئلهٔ پژوهش به‌دقت برای مصاحبه‌شوندگان تشریح شد و سپس بر اساس منشور مصاحبه به‌عنوان ابزار پژوهش، پرسش‌های اساسی زیر مطرح گردید:

۱) شما به‌عنوان مدرس زبان انگلیسی چه مسائلی را در بهبود یادگیری در دانشجویان کارشناسی مؤثر می‌دانید؟

۲) فکر می‌کنید انگیزش فراگیران زبان انگلیسی چه نقشی در بهبود یادگیری در آن‌ها دارد؟

---

[۱] probing questions
[۲] Transcription

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳) از دیدگاه شما چه شرایط و زمینه‌هایی در بهبود انگیزش و یادگیری انگلیسی در دانشگاه‌ها باید فراهم گردد؟

۴) به نظر شما چه راهکارها و پیامدهایی برای بهبود انگیزش و یادگیری انگلیسی دانشجویان قابل‌تصور است؟

گزارش یافته‌ها

با توجه به ماهیت پژوهش، در تحلیل داده‌ها، کدهای باز بر اساس تشابه و تفاوت مفاهیم در کدهای گسترده‌تری مقوله‌بندی شدند و کدهای محوری نیز در قالب یک مضمون اصلی مبنای تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. تفکیک کدهای مربوطه بر اساس سنت پژوهش زمینه‌ای یا داده‌بنیاد است. اکنون بر اساس سؤالات اصلی پژوهش، داده‌های کیفی بر اساس تحلیل محتوای استقرایی با فن نظریهٔ داده‌بنیاد تجزیه‌وتحلیل می‌گردند. در پاسخ به اینکه مدرسان زبان انگلیسی چه عواملی را در آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان کارشناسی مهم می‌دانند، کدهایی استخراج شد که فرایند کدگذاری به‌طور خلاصه در جدول ۱ گزارش گردیده است.

جدول۱. فرایند کدگذاری آموزش مهارت‌های زبان به دانشجویان

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
۱. مقوله‌های پداگوژیک	**شیوه‌های فعال تدریس**	آموزش کاربردی با تمرین؛ استفاده مؤثر از کتاب داستان؛ کاربرد مکمل اینترنت در آموزش؛ سرفصل بندی مطالب؛ درک شنیداری مطالب؛ معرفی منابع اینترنتی تکمیلی توسط مدرس؛ توسعهٔ دامنه لغات دانشجویان؛ آموزش تدریجی متن؛ کاربرد کلمات در متن؛ کلمات ترکیبی و چندکلمه‌ای؛ گرامر و لغت آموزی با خواندن؛ درک معنی لغت در جمله و پاراگراف؛ سرعت خواندن؛ درک متن بجای حفظ؛ تحمل ابهام

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		اصطلاحات جدید؛ تمرین و ممارست؛ مطالعهٔ گروهی واژگان؛ استفاده از تصاویر؛ آموزش از طریق فیلم، عکس و موسیقی؛ ارائهٔ تکالیف گروهی؛ تشویق به یادگیری از طریق دوستان (پارتنِرها)؛ آموزش تلفیقی، ارائهٔ تکالیف متنوع، توجه به علایق شاگردان؛ جذاب کردن و تنوع‌بخشی به آموزش‌ها؛ آموزش تعاملی و مشارکت گروهی؛ تمرکز بر مهارت‌های زبان؛ تلاش برای ایجاد چالش به زبان انگلیسی؛ فعال بودن و پاسخگویی شاگرد در جریان آموزش به‌جای تکرار مطالب؛ یادگیری جمله به‌جای کلمه؛ آماده‌سازی دانشجویان و شرایط تدریس؛ فضاسازی محیطی؛ دعوت کردن از افراد خارجی برای تعامل با دانشجویان در کلاس و ...
	فرایند تدریس ـ یادگیری	پرهیز از آموزش مستقیم گرامر؛ از آسان به دشوار چیدن مطالب؛ آموزش فنون درک متن؛ خواندن پاراگراف به پاراگراف؛ پیوستگی مهارت‌های چهارگانه (خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت‌کردن)؛ تمرین تندخوانی؛ عمقی بودن آموخته‌ها، زمان‌بر بودن آموزش؛ وقت‌گیر بودن تکنیک‌ها؛ فرایندی بودن مهارت‌های زبان؛ مدت آموزش و درگیربودن؛ تراکم دانشجویان در کلاس عمومی؛ شرایط و فضای کلاس درس؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		ناخودآگاه بودن درک مطالب؛ جنبهٔ عملی آموزش‌ها؛ خصوصیات فردی دانشجویان؛ گیرایی و باهوش بودن دانشجویان؛ تفاوت سطوح دانشجویان؛ نیاز به مدرس و شریک کلاسی؛ دانش زمینه‌ای دانشجویان؛ سطح درک مطلب دانشجویان؛ خواندن و مطالعهٔ منسجم؛ فعالیت‌های تکمیلی، مسئولیت آموختن دانشجو؛ مدیریت وقت محدود مدرس؛ تأثیر خواندن بر سایر مهارت‌ها؛ رفع خودکار مشکلات درک مطلب؛ تشخیص کلمات مشابه؛ محدود نبودن یادگیری به کلاس؛ ارزشیابی پیوسته و پیشرفت دانشجو؛ تدریجی بودن آموخته‌ها؛ قدیمی بودن روش‌های آموزش مستقیم و فرمولی گرامر؛ ضرورت هم‌پوشانی مهارت‌های چهارگانه؛ قربانی نکردن یک مهارت زبانی به‌جای دیگری و ...
	تناسب محتوایی	استفادهٔ بهینه از فونت و تصاویر جذاب؛ کاربرد تصویر و کاریکاتور در خواندن؛ میزان دشواری متن؛ محتوای کتاب‌ها و منابع آموزشی؛ پرهیز از آموزش مستقیم مباحث سنگین؛ یادگیری لغت از متن بدون معلم؛ چالش‌برانگیز بودن متن؛ جذابیت متن؛ انتخاب کتاب داستان؛ انتخاب کتاب مناسب؛ ارتباط مطالب با رشته؛ انتخاب موضوع؛ ضعف محتوایی؛ تعاملی بودن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		سایت‌های اینترنتی؛ ارائهٔ بازخورد؛ سؤالات آخر متن؛ استفاده از مطالب روز؛ برانگیختن حس کنجکاوی؛ پرهیز از متن‌های یکنواخت؛ کاربرد داستان کوتاه و لطیفه؛ استفاده از فرهنگ واژگان انگلیسی به انگلیسی؛ قابل‌انتقال بودن با موبایل و کامپیوتر؛ تعاملی بودن محتوا؛ تناسب محتوا با فعالیت، تنوع‌بخشی در ارائهٔ محتوا، جذابیت و کاربرد مطالب؛ استفاده از فناوری؛ کتاب‌های الکترونیکی؛ نرم‌افزارها و بازی‌های آموزشی؛ کتاب‌هایی با محتوای دیداری و شنیداری؛ واقعی بودن منابع انگلیسی دانشگاهی و روزمره؛ معرفی کتاب‌های جدید و محتواهای معتبر؛ هدف ارتباطات و تعاملی بودن محتوا؛ انعطاف-پذیری در ارائهٔ محتوا؛ کاهش محدودیت با معرفی کتاب‌های دیگر و ...
۲. مقوله‌های ساختاری	**ویژگی‌های فرهنگی**	حواس‌پرتی دانشجویان؛ کمبود مطالعه در دانشگاه؛ ضعف در خواندن و نوشتن؛ ضعیف بودن دانشجویان، کمبود میزان مطالعه کتاب‌ها و منابع؛ مسئولیت‌پذیری پایین زبان‌آموز؛ عادت دانشجو به مطالعهٔ اجباری، گریزان بودن از مطالعه، رجحان فرهنگ شفاهی بر فرهنگ نوشتاری؛ کمبود ارتباط با افراد و محتوای خارجی؛ تنوع نگرش خانواده؛ فراگیر نبودن دغدغهٔ یادگیری زبان؛ مشارکت ضعیف در کار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		گروهی؛ مطالعهٔ محدود به کلاس درس؛ عادت به تکلیف محوری؛ عدم تمایل مسئولین به اصلاح ساختارهای آموزشی، عدم تشویق خواندن توسط دوستان، عادت دانشجویان به خواندن شب امتحانی، بی‌دقتی و عجله‌داشتن هنگام خواندن متون، عدم احساس نیاز و ضرورت از طرف دانشجو و خانواده، مدرک-گرایی و نمره‌گرایی، بی‌اعتمادی به آموزش‌های زبان دانشگاهی؛ کمرنگ بودن ترغیب رسانه‌های گروهی رسمی به یادگیری زبان انگلیسی؛ آگاه بودن والدین به نقش زبان انگلیسی؛ و ...
	چالش‌های آموزشی	محدودیت کتاب‌های موردمطالعه؛ محدودیت منابع چاپی؛ ناآگاهی برخی مدرسان از منابع و روش‌ها؛ ضعف آموزش مدرسان؛ عدم آشنایی برخی مدرسان با روش‌های نوین تدریس در دورهٔ راهنمایی؛ بسترهای ضعیف برای آموزش مدرسان انگلیسی؛ ضعف شیوهٔ ارزیابی؛ ضعف فنّاورانه دانشگاه و مؤسسات زبان؛ نگرش و طرز فکر دانشجویان؛ ضرورت آموزش در کودکی؛ کم‌کاری در آموزش دانش‌آموزان؛ ضعف آموزش ابتدایی؛ حاکمیت حفظیات به‌جای کاربردپذیری؛ قدیمی‌بودن محتوای آموزش؛ کمبود به‌کارگیری فناوری در آموزش، استفادهٔ نادرست از فناوری، غیر مؤثر بودن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		روش آموزشی؛ محتواهای آموزشی غیرجذاب، نداشتن تنوع و انعطاف در آموزش، محدودیت زمانی آموزش درک متون، محدود بودن متون زبان انگلیسی عمومی در دانشگاه‌ها، محتوای یکسان و یکنواخت زبان عمومی، تعداد زیاد دانشجویان در کلاس زبان عمومی، ارزیابی و آزمون محدود از درک مطلب زبان، کتب درسی و محتوای ضعیف، کاربردی نبودن یادگیری زبان و درک متن، عدم عزم راسخ برای اصلاح آموزش و روش و محتوا، ارجحیت آموزش مؤسسات زبان، محیط یادگیری شلوغ؛ یکنواختی شیوه امتحانات،کم‌توجهی به متون علمی لاتین و منابع به زبان‌اصلی، دسترسی نامتوازن به فناوری، کمبود سواد فناورانه؛ ضعف ساختار آموزش مدارس و دانشگاه‌ها؛ ضرورت آموزش انگلیسی توسط مدرسان کارشناس ارشد در مقاطع پایین‌تر؛ محیط کلاس به‌عنوان تنها فرصت یادگیری زبان در نظام آموزشی ما؛ ضعف امکانات و نداشتن لابراتوار زبان در مدارس و برخی دانشگاه‌ها؛ محدودیت سرفصل برای مدرس؛ و ...

یکی از مواردی که در تحقیقات کیفی به روشن شدن فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها کمک می‌کند، ارائه نقل‌قول‌هایی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌هاست. در ادامه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شواهد کیفی، یک‌رشته مصادیق و نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های عینی بر اساس داده‌های کیفی مصاحبه‌ها از مصاحبه‌های صورت گرفته برای هرکدام از کدهای محوری جهت عینیت بخشیدن به کدها و تبیین مفاهیم مربوطه برای مخاطبین پژوهش ارائه خواهد شد. این نقل‌قول‌ها به تفکیک کدهای انتخابی و محوری مورد استناد قرارگرفته‌اند.

۱. مقوله‌های پداگوژیک: این مقوله‌ها در فرایند مصاحبه با مدرسان زبان انگلیسی ناظر بر مفاهیمی با مضمون آموزشی بودند و در ۳ طبقه کلی به شرح زیر قابل‌تفکیک و شناسایی هستند:

۱-۱ شیوه‌های فعال تدریس: مجموعه از کدهای باز به مفاهیم مشابهی در زمینهٔ روش-ها و فنون آموزشی زبان اشاره داشتند که این مفاهیم در طبقه‌بندی برآمده از تحلیل محتوای داده‌ها به‌عنوان شیوه‌های آموزش نام‌گذاری گردید. یکی از مصاحبه‌شوندگان دربارهٔ شیوه‌های آموزش در زبان انگلیسی چنین توضیح داده است:

> اساساً در آموزش خواندن متن انگلیسی دو مرحله اصلی وجود دارد یکی اسکن[۱] است و دیگری اسکیم[۲] است. در نوع اول متن با جزئیات خوانده می‌شود اما در نوع دوم متن با نگاهی سریع خوانده می‌شود. یکی از فن‌ها دربارهٔ سؤالات مربوط به زمان و تاریخ، مرور دقیق متن یا طرح‌ریزی است و توصیه می‌شود هر تاریخ را با مدادی قرمز زیرش خط کشید یا وقتی‌که کلمهٔ چه کسی[۳] در سؤال دیده می‌شود، باید سریع دنبال نام‌ها گشت و زیرش یک خط آبی کشید.

۱-۲ فرایند تدریس ـ یادگیری: بخشی دیگر از گفته‌های شرکت‌کنندگان در این پژوهش به مفاهیم روشنی در باب فرایند و جریان آموزش و یادگیری درک مطلب خواندن زبان انگلیسی پرداخته است. این مؤلفه با عنوان فرایند یادگیری خواندن در

---

[۱] scanning
[۲] skimming
[۳] who

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

فرایند تحلیل داده‌ها طبقه‌بندی شد و در جریان مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش چنین بازتاب یافته است:

> آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان زمان‌بر است و باید از سطوح پایین شروع شود. من خودم برای آموزش درک مطلب از بندهای کوچک شروع می‌کنم که طولانی و سنگین نباشد ولی درعین‌حال پاراگراف متنی سؤال‌برانگیز باشد. من برای هر پاراگراف ۵ سؤال می پرسم. این بندها را می‌توان بعد چند جلسه پیشرفت و دادن استراحت بیم جلسات به دو یا چند پاراگراف آموزش داد که دانشجویان تمرکزشان تدریجی بالا برود. البته این پروسه‌ها همه زمان‌بر هستند. از سوی دیگر من به‌عنوان مدرس سرفصل دارم و باید هر ترم این سرفصل‌ها را آموزش بدهم. خیلی اوقات لازم است که اضافه‌کاری برای دانشجویان بگذارم.

۳-۱ تناسب محتوایی: مدرسان شرکت‌کننده در مصاحبه اظهار داشتند که بخش مهمی از عوامل آموزشی به محتوا و متن مورد آموزش و خصوصیات برجستهٔ آن برمی‌گردد. بنابراین، در طبقه‌بندی مفاهیم خاصی که به این مفهوم اشاره داشتند، عنوان ویژگی‌های محتوایی متن انتخاب گردید. یکی از مدرسان شرکت‌کننده در این رابطه چنین دیدگاهی را ابراز داشته است:

> نقش مدرس، انتخاب کتاب است و این نکات ریز خیلی اهمیت دارد که مثلاً اندازهٔ فونت کتاب چقدر باشد. اگر فونت ریز و ناخوانا باشد نامناسب است، باوجوداینکه بعضی این نکات را مهم ندانند حتی نوع و رنگ و تصاویر کتاب، نقشِ زیادی در یادگیری و خواندن دانشجویان دارد. حتی پیشنهاد می‌کنم که دو کلاس را به‌عنوان شاهد و گواه آزمایش کنند تا مشخص شود چقدر فونت، رنگ و شکل کتاب‌ها در یادگیری تأثیر دارد یا ندارد. این موارد در انتخاب متن مهم است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲. مقوله‌های ساختاری: این مقوله‌ها ناظر بر مفاهیمی بودند که در زمینهٔ درک مطلب خواندن زبان انگلیسی، دانشجویان و مدرسان زبان انگلیسی را با محدودیت مواجه می-ساخت و چون این محدودیت‌ها فراتر از کنترل مدرسان بودند و نیاز به برنامه‌ریزی و تغییرات گسترده‌تر داشتند، با تعبیر عوامل ساختاری مورد استناد قرار گرفتند؛

۲-۱ ویژگی‌های فرهنگی: یکی از موانع نظام‌مندی که توسط مدرسان مورداشاره قرار گرفت به ساختارهای فرهنگی در دانشجویان و سیستم دانشگاهی اشاره دارد. یکی از شرکت‌کنندگان پیرامون این مسئله چنین دیدگاهی را ابراز داشت:

> از طرف دیگر فرهنگ مطالعه در میان دانشجویان ایرانی بسیار ضعیف است و یک‌بار شنیدم که شمار پرفروش‌ترین کتاب در ایران رقم بسیار ناچیزی بود که در قیاس استاندارهای جهانی و چاپ میلیون کتاب‌های پرفروش واقعاً خنده‌آور بود. پس لازم است طرز افکار دانشجویان عوض شود. هرکسی انگیزهٔ خاصی نسبت به مطالعهٔ زبان انگلیسی دارد. خیلی‌ها ممکن است برای ادامهٔ تحصیل، افزایش معلومات و شخصیت‌سازی (پرستیژ) جمعی به خواندن علاقه‌مند می‌شوند. اما باید خواندن به‌عنوان امری لذت‌بخش و مفید فرهنگ‌سازی شود.

۲-۲ چالش‌های آموزشی: بخش دیگری از مقوله‌های ساختاری در راستای تقویت مهارت‌های زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها از دیدگاه مدرسان این حوزه به نحوهٔ آموزش و تدریس و محدودیت‌هایی که پیرامون آن وجود دارد، قابل‌شناسایی است. این چالش‌های آموزشی در دیدگاه یکی از مدرسان شرکت‌کننده در مصاحبه چنین نمود یافته است:

> همچنین سطح دانش دانشجویان متفاوت است مثلاً چندین نفر ممکن است دیپلم زبان داشته باشند و یا موسسه رفته باشند و اکثریت کسانی هستند که چیزی بلد نیستند. مدرس در این شرایط دستش بسته است نه می‌تواند پیشرفته درس بدهد و نه می‌تواند متوسط و ابتدایی تدریس کند. ازآنجاکه در آزمون‌های زبان، بخش‌های شنیداری، مکالمه و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نوشتاری نداریم فقط باید در خواندن گرامر و لغت متمرکز شویم. این شیوه آموزش در جهان منسوخ‌شده است و آموزش مستقیم گرامر و فهرستی از لغات بسیار وحشتناک است. این آموزش اشتباه در دوران مدرسه و دانشگاه اتفاق می‌افتد و تکرار می‌شود.

در پاسخ به پرسش اینکه از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی، انگیزش دانشجویان به یادگیری زبان خارجی تحت تأثیر چه مؤلفه‌هایی است، کدهایی استخراج شد که فرایند کدگذاری به‌طور خلاصه در جدول ۲ آمده است.

جدول۲. فرایند کدگذاری عوامل مؤثر بر انگیزش دانشجویان در یادگیری زبان

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
۳. مقوله‌های انگیزشی	**نگرش عاطفی**	اشتیاق به تدریس؛ علاقه به مدرس؛ خودانگیزشی دانشجویان ؛ انگیزه بخشی به دانشجو؛ تقویت اعتماد-به‌نفس؛ شناسایی علایق؛ علاقهٔ دانشجو به متن؛ خستگی از آموزش؛ علاقه به آموزش؛ اعتمادبه‌نفس در دانشجو؛ ارتباط صمیمی با دانشجو؛ خود انگیزش بودن دانشجو؛ تلاش شخصی دانشجو؛ تأثیرپذیری از رفتار مدرس؛ میل به پیشرفت زبان؛ تشویق تلاش دانشجو؛ تشویق والدین و مدرسان، مشارکت دادن دانشجو در مباحثه، کنجکاوی و میل درونی؛ مقاومت انگیزشی دانشجویان؛ استرس یادگیری مطالب؛ ترس دانشجو از کار بیشتر؛ ترس و مقاومت دانشجو؛ کاهش استرس و اضطراب توسط مدرس؛ کاهش ترس از اشتباه؛ جلوگیری از ترس از تمسخر و تذکر؛ دل‌زدگی و بی‌میلی؛ کمبود انگیزهٔ درونی برای خواندن و درک متون، داشتن نگرش منفی به‌عنوان زبان بیگانه، ناکامی و تجربه شکست در زبان‌آموزی؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز (نمونه‌های برجسته)
		امیدوار کردن دانشجویان توسط مدرس؛ تجربه لذت بردن از زبان و ...
	مؤلفه‌های ادراکی	درک متفاوت زبان مادری و زبان دوم؛ اندیشیدن بدون ترجمه، ناآگاهی دانشجویان از فن‌ها؛ شرایط ادراکی دانشجویان؛ مفاهیم و اصطلاحات ناملموس؛ درک شنیداری و دیداری؛ فهم و کاربرد فکری و عملی؛ دوزبانه بودن دانشجویان، تصویرسازی و پیوستگی و پیوند مطالب، سطح درک دانشجویان؛ فهم و کاربرد اصطلاحات عامیانه و آکادمیک، تنوع معانی واژگان؛ تداخل در آموخته‌های قبلی و جدید؛ به خاطر سپردن و تمرکز بر گرامر؛ به‌کارگیری فرم اشتباه کلمات؛ دید کلی و جزئی‌نگر به مطالب؛ درک مفاهیم با آزمون‌وخطا؛ فکر کردن به زبان دیگر؛ تفکر از طریق زبان مقصد؛ توضیح دادن کاربرد زبان انگلیسی به دانشجویان؛ تشریح کاربرد شغلی، فناوری و زندگی روزمره زبان انگلیسی؛ احساس مفید بودن در یادگیری زبان‌آموزان؛ و ...

۳. عوامل انگیزشی: بخش مهمی از این عوامل، به‌طور مشخص بر روی انگیزش خواندن زبان انگلیسی دانشجویان تأثیرگذار هستند. این مقوله‌ها ازاین‌جهت انگیزشی نامیده شدند که به مفاهیم روانشناسی یادگیری و ویژگی‌های فردی دانشجویان در خواندن زبان انگلیسی ارتباط نزدیکی دارند. بر اساس شواهد کیفی مصاحبه یا مدرسان دانشگاهی زبان انگلیسی این عوامل در دو بعد مؤلفه‌های ادراکی و نگرش عاطفی خواندن قابل‌تفکیک هستند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳-۱ مؤلفه‌های ادراکی: به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها اشاره می‌کند که بر اساس آن، دانشجویان در مسیر فهم و ادراک متون زبان انگلیسی نیازمندِ انگیزش و خصوصیاتی ادراکی هستند. درنتیجه این موارد تحت عنوان مؤلفه‌های ادراکی خواندن نام‌گذاری شده و این مؤلفه‌ها از دیدگاه یک نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها به ترتیب زیر آمده است:

> هنگامی‌که سر کلاس تدریس می‌کنم، دانشجویان تک‌تک کلمات را نگاه می‌کنند و حتی می‌خوانند اما یک کلمه را درک نمی‌کنند چون حواسشان پرت است. واقعیت این است که به‌وضوح می‌بینم که حتی در دروس خودشان حواسشان پرت است. نسل‌های جدید باوجود هوش سرشار تمرکز حواس ندارند.

۳-۲ نگرش عاطفی: بخشی دیگر از مؤلفه‌های انگیزشی ناظر به ارتباطات و نگرش عاطفی دانشجویان به آموختن مهارت‌های زبان انگلیسی است. دیدگاه یکی از مدرسان زبان انگلیسی در این رابطه چنین است:

> مدرس حتماً باید بخشی از انگیزه را بدهد. من در حیطهٔ کاری خودم از بعد رابطه عاطفی شروع می‌کنم. ممکن است استاد درسی دیگر با بزرگ جلوه دادن کار در دانشجویان ایجاد انگیزه کند که اگر فلان کار را یاد بگیرید می‌توانید کارتان را به نحو احسن انجام دهید ولی در کار من با ایجاد شور و علاقهٔ شخصی، ایجاد انگیزه می‌کنم. خودم شخصاً زبانم افتضاح بود و از یکی از معلمان زبانم به یادگیری خواندن زبان انگلیسی مشتاق شدم و به دلیل محبت و دوست داشتن معلمم پیشرفت زیادی کردم.
>
> یکی از دلایلی که دانشجویان را دچار استرس می‌کند ترس از اشتباه کردن است و مدرس لازم است به دانشجویان بفهماند که حتی مدرس هم اشتباه می‌کند. دلیل مهمی که در خواندن دانشجویان باعث استرس می‌شود ترس از تمسخر دیگران است، به‌خصوص به این دلیل که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شخصیت افراد در دانشگاه شکل‌گرفته و ممکن است از ترس خطا کردن در جمع و تمسخر دیگران و یا تذکر استاد خوب عمل نکنند.

در شکل ۲ بر اساس تکرار کدهای مشابه در هر مصاحبه و طبقه‌بندی آن‌ها برحسب میزان هم‌پوشی مفاهیم و مضامین، کدهای نهایی بر اساس کدهای محوری و کدهای منتخب استخراج شدند که الگوی ساختاری آن در محیط مکس‌کیودا، مدل‌سازی شده است. مدل استخراج‌شده به جهت پیوند ارتباطی بین دو مفهوم آموزش و انگیزش زبان انگلیسی تحت عنوان الگوی آموزش مبتنی بر انگیزش نام‌گذاری شده است.

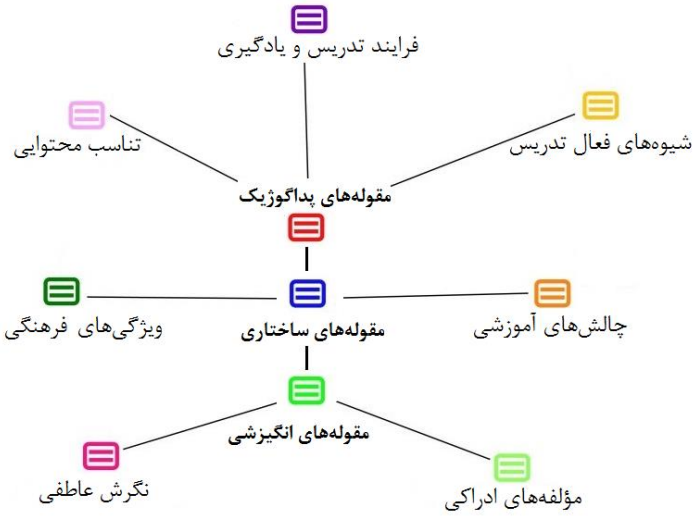

شکل۲: الگوی روابط بین مقوله‌ها و مفاهیم آموزش مبتنی بر انگیزش زبان انگلیسی

در این شکل روابط بین مقوله‌های نهایی به‌صورت یک الگوی داده‌بنیاد مدل‌سازی شده است. بر اساس تفسیر حاصل از مصاحبه‌ها، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان چنین استنباط می‌شود که فرایند مقوله‌های پداگوژیک و مقوله‌های انگیزشی تحت تأثیر متغیری با عنوان عوامل ساختاری هستند که روابط فرضی بین آن‌ها ترسیم‌شده است. در این الگوی مفهومی، در صورت همگرایی بین مقوله‌های پداگوژیک (شامل مفاهیم شیوه‌های فعال تدریس، فرایند تدریس ـ یادگیری و ویژگی‌های محتوایی آموزش) و عوامل انگیزشی (دربرگیرنده مفاهیم نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی)، انتظار می‌رود،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

درک مطلب دانشجویان در متون زبان انگلیسی عمومی بهبود یابد. درنتیجه لازم است ضمن تقویت این دو عامل و مؤلفه‌های ساختاری آن، برای کاهش عوامل ساختاری، برنامه‌ریزی لازم از سوی برنامه‌ریزان درسی در آموزش عالی صورت پذیرد تا در مرحلهٔ اجرای برنامه‌ها توسط مدرسان زبان انگلیسی با مشارکت دانشجویان، بسترهای مناسب برای توسعهٔ مهارت درک مطلب و نیز ارتقای انگیزش دانشجویان و مدرسان برای تسهیل یادگیری این مهارت‌ها فراهم گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی برگرفته از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی در سطح آموزش عالی، عوامل مؤثر بر توسعهٔ آموزش و بهبود انگیزش دانشجویان کارشناسی در مهارت‌های زبان انگلیسی دربرگیرنده مقوله‌های پداگوژیک (شیوه‌های فعال تدریس، فرایند تدریس ـ یادگیری و تناسب محتوایی)؛ عوامل ساختاری (ویژگی‌های فرهنگی و چالش‌های آموزشی) و مقوله‌های انگیزشی (نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی) هستند که با شکل‌گیری مفهوم «آموزش مبتنی بر انگیزش» قابل تبیین خواهد بود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال ارائهٔ یک الگوی مفهومی داده‌بنیاد برای مسئلهٔ پژوهش بود، ابتدا الگویی ساختاری از روابط میان مقوله‌ها و مفاهیم شناسایی‌شده ترسیم شد. در این الگو، چنین استنباط می‌گردد که مقوله‌های پداگوژیک و مقوله‌های انگیزشی مکمل مناسبی هستند که با مقوله‌های ساختاری در دو سطح چالش‌های آموزشی و ویژگی‌های فرهنگی مواجه می‌شوند. بنا بر شواهد کیفی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، از مصاحبه با مدرسان چنین استنباط شد درصورتی‌که مقوله-های ساختاری تعدیل شود و مقوله‌های آموزشی به شیوهٔ صحیح تقویت و هدایت شود، مقوله‌های انگیزشی در جهت اثربخشی مقوله‌های پداگوژیک عمل می‌کنند. نتیجه چنین موقعیتی، بهبود دانشجویان در مهارت‌های زبان انگلیسی است و مقوله‌های انگیزشی نیز در رسیدن به این هدف، نقش مؤثرتری را ایفا خواهند کرد. ازاین‌رو الگوی آموزش مبتنی بر انگیزش به‌صورت شکل ۳ ارائه‌شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

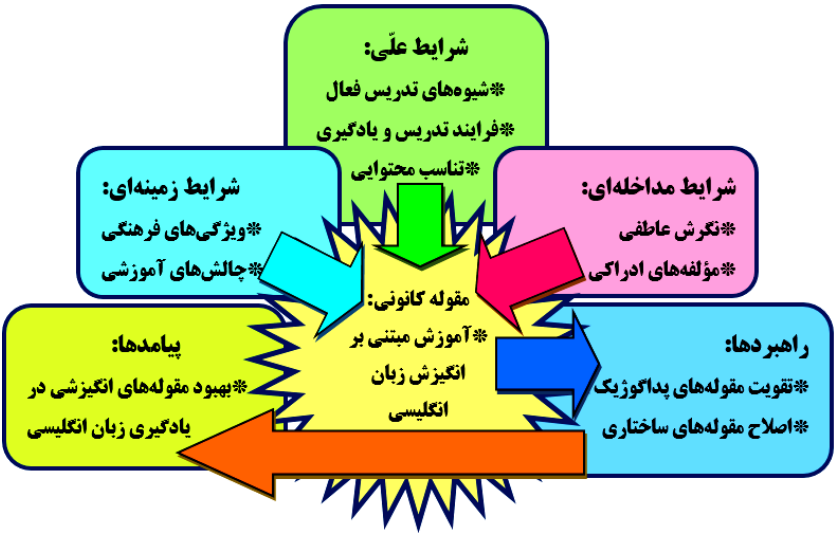

شکل۳: الگوی داده‌بنیاد آموزش مبتنی بر انگیزش زبان انگلیسی دانشجویان کارشناسی

مفاهیم و مقوله‌های شکل‌گرفته در چارچوب یک الگوی مفهومی داده‌بنیاد به این صورت قابل تفسیر است که برای فهم آنچه آموزش مبتنی بر انگیزش می‌خوانیم، یک مجموعه عوامل نقش علت و معلولی برایشان مفروض است. شیوه‌های جذاب و فعال آموزش زبان انگلیسی، در فرایند تدریس ـ یادگیری و با بهره‌گیری از تناسب محتوایی غنی و روزآمد که درمجموع مقوله‌های پداگوژیک را شکل می‌دهند لازم است موردتوجه قرار گیرند. زمینهٔ چنین آموزش‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی و آموزشی مواجه است که بایستی بسترهای ایجاد تحول در این زمینه‌ها به‌تدریج برنامه‌ریزی و اجرایی شود. در این میان، نقش نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی به‌عنوان شرایط مداخله‌ای عمل می‌کنند که مقوله‌های انگیزشی و مقوله‌های ساختاری را در مسیر متقابل هم قرار می‌دهد. از یافته‌های کیفی مصاحبه با مدرسان دانشگاهی چنین استنباط می‌شود که با راهبردهای تقویت مقوله‌های پداگوژیک و بازنگری در شرایط ساختاری پیامدها به بهبود عوامل انگیزشی منتهی خواهد شد. بنابراین، آموزش مبتنی بر انگیزش مقوله-های ساختاری شامل چالش‌های آموزشی و ویژگی‌های فرهنگی آموزش زبان انگلیسی، شرایط علت و معلولی را ایجاد می‌کنند. زمینه‌های چنین مسئله‌ای شامل فرایند آموزشِ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

خواندن زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها است و چنین استنباط می‌شود که مقوله‌های انگیزشی شامل نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی -به‌عنوان شرایط مداخله‌گر- تأثیر خواهند داشت. درنتیجه دو مقولهٔ شیوه‌های فعال آموزش و تناسب محتوا، راهبردهای مؤثری را برای تقویت مهارت‌های زبانی فراهم خواهند کرد. درنهایت، پیامدهای این مسئله، تقویت مهارت‌های انگلیسی به همراه تثبیت انگیزش دانشجویان خواهد بود.

با وجود کمبود پژوهش‌های کیفی مرتبط در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، در پژوهش‌های عمدتاً کمی، متغیرهایی ازجمله، باورهای انگیزشی و راهبردهای آموزشی زبان انگلیسی (شیخ‌الاسلامی و خیر، ۱۳۹۵)؛ انگیزش و نگرش زبان انگلیسی (شیربگی و عزیزی، ۱۳۸۷)؛ راهبردهای فراشناختی و انگیزش تحصیلی (برزگربفرویی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ انگیزش خواندن (شیفیل و همکاران، ۲۰۱۲؛ به نقل از شافنر و همکاران، ۲۰۱۳)؛ سطح انگیزش یادگیری زبان خارجی و باورهای خودکارآمدی (باس و والتر، ۲۰۱۳)؛ انگیزش یادگیری زبان و زمینهٔ یادگیری (وینینگز ۲۰۱۳)؛ انگیزش یادگیری زبان، محتوا و مواد آموزشی (علی و پتان، ۲۰۱۷)؛ خودتصحیحی و تقویت دقت (دگریمنشی ایزل و ایدین، ۲۰۱۷)؛ جو محیط آموزش زبان دوم (جو و همکاران، ۲۰۱۷)؛ مشابهی وجود دارند که البته هرکدام از زاویهٔ متفاوتی به مسئله نگریسته‌اند. در اینجا ضرورت مطالعهٔ کیفی متناسب با زمینهٔ دانشگاه‌های داخل کشور قابل توجیه است. یافته‌های پژوهش‌های کیفی نیز به‌صورت تلویحی به مواردی ازاین‌دست اشاره‌کرده‌اند. ازجمله، وان‌منسل و دکانیک (۲۰۱۷) در پژوهشی کیفی، مفهوم هویت آموزش چندزبانه در مقایسه با پیشرفت‌های تک‌زبانه از آرزوها و انگیزه‌های والدین و فرزندانشان استنتاج کرده و نشان دادند که میل به زبان به ساختار هویت درونی تولیدشده محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به انگیزش بیرونی دیگران را بازنمایی کند. در پژوهش کیفی دیگری دربارهٔ عوامل و مؤلفه‌های تدریس اثربخش در آموزش عالی، در مؤلفه‌هایی ازجمله ایجاد انگیزه، ارتباط عاطفی در بُعد مهارت‌های ارتباطی مؤید متغیرهای شکل‌گرفته در پژوهش حاضر است (غلامی و اسدی، ۱۳۹۲). همچنین نتایج یک سنتزپژوهی با هدف ارائهٔ یک الگوی جامع از تدریس اثربخش دانشگاهی را در ابعاد مؤلفه‌های منش‌محور؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مؤلفه‌های ارتباطی؛ مؤلفه‌های روش‌محور و مؤلفه‌های زمینه‌ای را خلاصه کرده‌اند که از این میان مؤلفه‌های روش‌محور با مقوله‌های پداگوژیک (شیوه‌های فعال تدریس، فرایند تدریس ـ یادگیری و تناسب محتوایی)؛ مؤلفه‌های منش‌محور با مقوله‌های انگیزشی (نگرش عاطفی و مؤلفه‌های ادراکی) و مؤلفه‌های زمینه‌ای با مقوله‌های ساختاری (ویژگی‌های فرهنگی و چالش‌های آموزشی) مشابهت دارند (اسدی و غلامی، ۱۳۹۵). گرچه تدریس زبان انگلیسی با تدریس در سایر رشته‌های علمی متفاوت است، اما به سبب کاربرد مشترک به‌عنوان زبانِ انتشار علم در تمام رشته‌ها، مشابهت بین ابعاد تدریس، باوجود نظریهٔ انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی، تا حدودی به فهم مسئله کمک می‌کند. درنتیجه، از یک‌سو نقش بین‌المللی بودن زبان انگلیسی و کاربرد مشترک بین-رشته‌ای علوم در تبیین مسئله غیرقابل‌انکار است، اما، از سوی دیگر نمی‌توان وابستگی به زمینه و ماهیت فرهنگی جوامع و محیط‌های آموزشی را یکسان تصور نمود. به‌ویژه اینکه مقوله‌های ساختاری پژوهش حاضر همانند با ویژگی‌های فرهنگی، نیاز به کاوشگری بیشتر در عمق مقوله‌های پداگوژیک و انگیزشی را برجسته می‌سازد. همچنان که در پژوهش شیربگی و عزیزی (۱۳۸۹) به نظریات گاردنر و لامبرت در زمینهٔ اجتماعی ـ روانی پدیده زبان‌آموزی و وابستگی به توسعهٔ مهارت‌های ارتبـاطی بین فرد و اعضای جامعهٔ فرهنگی دیگر اشاره‌شده است. کرمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز با اشاره به مفهوم سرمایهٔ فرهنگی که باید به‌طور گسترده‌ای در برنامه‌های درسی آموزش زبان انگلیسی مورداستفاده قرار گیرد، توجه به فرهنگ در ابعاد مختلف طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی زبان، به‌منظور غنی‌سازی هر چه بیشتر فرهنگ پیشنهاد شده است.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌ها، مقوله‌های پداگوژیک و مقوله‌های ساختاری نقش مهمی در مقوله‌های انگیزشی و بهبود مهارت‌های زبان انگلیسی دانشجویان کارشناسی ایفا می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سطح تجارب مدرسان زبان انگلیسی در نظام آموزش عالی و ایجاد خلاقیت و نوآوری در شیوه‌های فعال آموزش، شیوه‌های کنونی آموزش زبان انگلیسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در دانشگاه‌های کشور موردبازنگری قرار گیرد؛ فرایند تدریس و یادگیری زبان انگلیسی نیز بایستی هم توسط برنامه‌ریزان آموزش عالی و هم مدرسان دانشگاهی با تقویت مؤلفه‌های اثربخشی، تسهیل گردد. به‌ویژه ضرورت دارد ویژگی‌های محتوایی بر اساس دیدگاه مدرسان صاحب‌نظر و نیاز دانشجویان توسط برنامه‌ریزان درسی با طراحی و تدوین محتواهای طبیعی دانشگاهی و روزمره موردبازنگری قرار گیرند. بهبود نگرش عاطفی در مدرسان و دانشجویان برای آموزش و یادگیری متون زبان خارجی و نیز در نظر گرفتن مؤلفه‌های ادراکی برای تقویت مهارت‌های زبان انگلیسی و ایجاد انگیزه در فراگیران مفید خواهد بود. برای رسیدن به چنین اهدافی تلفیق تجارب عملی مدرسان و نظر متخصصان باید مبنای عمل قرار گیرد. در زمینهٔ عوامل ساختاری آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها لازم است راهبردهایی ازجمله استانداردسازی محتواهای آموزشی بر اساس الگوهای موفق در نظام‌های آموزش عالی؛ برطرف کردن چالش‌های آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها و تلاش برای اصلاح و ترمیم آموزش زبان انگلیسی در مدارس؛ تقویت فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی به‌ویژه در زمینهٔ کتاب‌های داستان با زبان انگلیسی و تنوع‌بخشی به منابع آموزشی زبان؛ چالش‌های آموزشی و ویژگی‌های فرهنگی را به‌مرورزمان در جهت تقویت مقوله‌های آموزشی و مقوله‌های انگیزشی اصلاح شوند. تأکید به ترویج و ایجاد اشتیاق نسبت به کاربردهای یادگیری زبان خارجی در رسانه‌ها و نظام آموزش رسمی در کنار بازنگری آموزش و تلاش برای فرهنگ‌سازی می‌تواند مقوله‌های ساختاری را بهبود بخشد. درمجموع، انتظار می‌رود مسئلهٔ اثربخشی آموزش مهارت‌های زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها با تقویت مقوله‌های انگیزشی بهبود یابد. لذا الگوی آموزش مبتنی بر انگیزش در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع

- ادیب سرشکی، نرگس؛ کنعانی، نرگس و حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر استفاده از راهبردهای انگیزشی در کلاس زبان انگلیسی بر انگیزهٔ دانشجویان، *مجلهٔ مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد*، دوره ۱۱، شماره ۲: ۱۷۴.

- اسدی، محمد؛ غلامی، خلیل (۱۳۹۵)، سنتزپژوهی بر الگوی تدریس اثربخش در آموزش عالی، *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه مازندران*، دوره ۵، شماره ۹: ۱۴۴-۱۱۳.

- اصغرزاده، نسرین؛ خراسانی، اباصلت (۱۳۹۵)، تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: مطالعهٔ تطبیقی در اروپا، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۲، شماره ۳: ۱۱۱-۸۹.

- بازرگان، عباس (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، تهران: انتشارت دیدار.

- برزگر بفرویی، کاظم؛ برزگر برفویی، مهدی و ملایی بهرامی، یعقوب (۱۳۹۳)، نقش جهت‌گیری هدف و راهبردهای فراشناختی خواندن در پیش‌بینی انگیزش تحصیلی دانشجویان، *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، سال دوم، شماره ۵، ۴۲-۲۷.

- بهروزی، محمد؛ آموزگار، آزاده و علیپور، یعقوب (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی برنامهٔ درسی آموزش زبان انگلیسی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان دورهٔ متوسطه، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۵، شماره ۲: ۱۴۲-۱۲۵.

- خاوری، سیدخسرو (۱۳۸۳)، بررسی راهکارهای افزایش مهارت خواندن، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۹، شماره ۱۶: ۱۱۰-۹۷.

- دانایی‌فرد، حسن؛ مظفری، زینب (۱۳۸۷)، ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، *پژوهش‌های مدیریت*، سال اول، شماره ۱: ۱۶۲-۱۳۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

- راقبیان؛ رویا؛ اخوان‌تفتی، مهناز؛ حجازی، الهه، (۱۳۹۱)، بررسی اثربخشی برنامهٔ طراحی‌شده بر اساس رویکردهای پرسش از نویسنده و درک خواندن سه وجهی بر افزایش درک خواندن دانش‌آموزان، *مجلهٔ روان‌شناسی مدرسه*، دوره ۱، شماره ۲: ۳۹-۵۸.

- رقیب‌دوست، شهلا؛ اصغرپور ماسوله، مهرداد، (۱۳۸۸)، رابطهٔ انگیزش خواندن و دانش پیشین با درک خواندن زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان، *دو فصلنامهٔ زبان پژوهشی دانشگاه الزهرا*، دوره ۱، شماره۱: ۷۲-۵۱.

- شیخ الاسلامی، راضیه؛ خیر، محمد (۱۳۸۵)، بررسی رابطهٔ باورهای انگیزشی و استفاده از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در بین دانشجویان، *مجلهٔ روانشناسی*، سال دهم، شماره ۱: ۳۳-۲۲.

- شیربگی ناصر؛ عزیزی، نعمت اله (۱۳۸۹)، بررسی انگیزش و نگرش دو نمونه از دانشجویان ایرانی نسبت به فراگیری زبان انگلیسی، *فصلنامهٔ انجمن آموزش عالی ایران*، دوره ۳، شماره ۱: ۱۰۱-۷۹.

- صفرنواده، خدیجه؛ علی‌عسگری، مجید (۱۳۸۸)، مطالعهٔ تطبیقی برنامهٔ درسی آموزش زبان انگلیسی در ایران و ژاپن با تأکید بر مهارت‌های زبان‌آموزی در کتاب‌های درسی دورهٔ راهنمایی، *مطالعات برنامه درسی*،دوره ۳، شماره ۱۲: ۱۶۹-۱۴۶.

- علوی، سید محمد (۱۳۸۳)، نقش گرامر و واژگان در تست خواندن و درک مطلب، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۹، شماره ۱۷: ۱۱۴-۹۳.

- غلامی، خلیل؛ اسدی، محمد (۱۳۹۲)، تجربهٔ حرفه‌ای اساتید در ارتباط با پدیدهٔ تدریس اثربخش در آموزش عالی، *دوفصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی دانشگاه خوارزمی*، سال اول، شماره ۲: ۲۶-۵.

- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گراندد تئوریGTM)*، تهران: انتشارات آگاه.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

- کرمی، مرتضی؛ سیلانه، آمنه و پاک‌مهر، حمیده (۱۳۹۱)، فرهنگ و برنامهٔ درسی آموزش زبان انگلیسی، ***فصلنامهٔ مطالعات برنامهٔ درسی ایران***، دوره ۷، شماره ۲۶: ۱۴۸-۱۲۷.

- لوینز، آن و سیلور، کریستینا (۱۳۹۳)، *راهنمای گام‌به‌گام استفاده از نرم‌افزار MAXQDA ۲ در تحقیق کیفی*، ترجمهٔ ابوالفضل رمضانی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- مصباح، مژگان؛ فغانی، معصومه؛ ادیب، معصومه و سلامت، فاطمه (۱۳۹۳)، تأثیر آموزش تکلیف محور بر مهارت خواندن و درک مطلب زبان انگلیسی دانشجویان مامایی، *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، دوره ۲۴، شماره ۷۳: ۷۹-۷۲.

- مطلب‌زاده، خلیل؛ منوچهری، مریم، (۱۳۸۷)، بررسی رابطهٔ هوش چندگانه با مهارت خواندن و درک مطلب در آزمون بین‌المللی زبان انگلیسی (IELTS) در فراگیران ایرانی، *مجلهٔ اصول بهداشت روانی*، دوره ۱۱، شماره ۴۲: ۱۴۰-۱۳۵.

- مهدوی ظفرقندی، امیر؛ جهاندیده، یوسف (۱۳۸۴)، ارزیابی دانشجویان دندانپزشکی ازنظر توانائی خواندن متون علمی ـ فن‌آوری (علمی ـ پژوهشی)، *نشریهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان*، دوره ۲، شماره ۱۸: ۳۰-۲۹.

- ناجی میدانی، الهام؛ پیشقدم، رضا و غضنفری، محمد (۲۰۱۵)، نقش فرهنگ بومی در کلاس‌های زبان انگلیسی: مقایسهٔ سه دیدگاه متفاوت، *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، سال ۴۷، شماره ۴: ۱۰۵-۹۱.

Ali, M. S., & Pathan, Z. H. (۲۰۱۷). Exploring Factors Causing Demotivation and Motivation in Learning English Language among College Students of Quetta, Pakistan. **International Journal of English Linguistics,** ۷(۲), ۸۱.

Busse, V., & Walter, C. (۲۰۱۳). Foreign language learning motivation in higher education: A longitudinal study of motivational changes and their causes. **The Modern Language Journal,** ۹۷(۲), ٤۳٥-٤٥٦.

Cresswell, John W. (۲۰۱۲). **Educational research, planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research.** Boston: Pearson Education, Inc.

Cuevas, J. A., Russell, R. L., & Irving, M. A. (۲۰۱۲). An examination of the effect of customized reading modules on diverse secondary students' reading comprehension and motivation. **Educational Technology Research and Development,** ٦۰(۳), ٤٤٥-٤٦۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Değirmenci Uysal, N., & Aydin, S. (۲۰۱۷). Foreign Language Teachers' Perceptions of Error Correction in Speaking Classes: A Qualitative Study. **The Qualitative Report,** ۲۲(۱), ۱۲۳-۱۳۵.

Fraenkel, J. R., Wallen, N. E., & Hyun, H. H. (۲۰۱۱). **How to design and evaluate research in education.** New York: McGraw-Hill.

Joe, H. K., Hiver, P., & Al-Hoorie, A. H. (۲۰۱۷). Classroom social climate, self-determined motivation, willingness to communicate, and achievement: A study of structural relationships in instructed second language settings. **Learning and Individual Differences,** ۵۳, ۱۳۳-۱٤٤.

Nation, I. S. P. (۲۰۱۳). Designing reading tasks to maximize vocabulary learning. **Applied Research on English Language,** ۳(۱), ۱-۸.

Proctor, C. P., Daley, S., Louick, R., Leider, C. M., & Gardner, G. L. (۲۰۱٤). How motivation and engagement predict reading comprehension among native English-speaking and English-learning middle school students with disabilities in a remedial reading curriculum. **Learning and Individual Differences,** ۳٦, ۷٦-۸۳.

Rabbitt, T. (۲۰۱۵). **Reading, Writing, Speaking and Listening? Which is most important and why?** Accessible on ۲۳,۰۷,۲۰۱۷ from http://www.tis.edu.mo/vision/reading-writing-speaking-and-listening-which-is-most-important-and-why/

Schaffner, E., Schiefele, U., & Ulferts, H. (۲۰۱۳). Reading amount as a mediator of the effects of intrinsic and extrinsic reading motivation on reading comprehension. **Reading Research Quarterly,** ٤۸(٤), ۳٦۹-۳۸۵.

Van Mensel, L., & Deconinck, J. (۲۰۱۷). Language learning motivation and projected desire: an interview study with parents of young language learners. **International Journal of Bilingual Education and Bilingualism,** ۱-۱٦.

Waninge, F., Dörnyei, Z., & De Bot, K. (۲۰۱٤). Motivational dynamics in language learning: Change, stability, and context. **The Modern Language Journal,** ۹۸(۳), ۷۰٤-۷۲۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]